

دکتر شهناز شاهین

گروه آم‌وزشی زبانهای خارجی

مفهوم

ادبیات مقایسه‌ای^۱

چیست؟

اگر شخص علاقه‌مندی بخواهد پاسخی سریع برای این سؤال خود بیابد و در فرهنگها و دائرةالمعارف‌های موجود به تجسس پردازد، بزودی دلسرد خواهد شد. چرا که در فرهنگهای لاروس و اکسفورد همچنین در دائرةالمعارف‌های کی‌به^۲، بریتانیکا و امریکانا، با سکونی کامل مواجه میشود و در فرهنگهایی چون وبستر^۳، ربر^۴ و یا فرهنگ ۱۰ جلدی لاروس تنها به توضیح مختصری دست می‌یابد و پرسش دیگری که خودبخود در ذهن وی مطرح میگردد اینست که آیا باید اصولاً ادبیات مقایسه‌ای را جزء واژه‌ای بنام « ادبیات » دانست یا جزء واژه « مقایسه » بحساب آورد؟

طی زمانی بس دراز چنین پذیرفته شده بود که ادبیات مقایسه‌ای باید اساساً بررسی روابط میان ادبیاتهای ملی را برعهده داشته باشد. این برداشت محدود که از نوعی احتیاط علمی، تأثیر تعلیم و تربیت یا توافق با برخی موقعیتهای فکری و سیاسی بهره گرفته بود و تا سال ۱۹۵۰ رواج داشت خوشبختانه امروزه دیگر اعتبار و اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است.

نکته بسیار حائز اهمیت اینست که ادبیات مقایسه‌ای با مقایسه هر اثر با اثری دیگر و در تحت شرایطی دل‌بخواه تفاوت فاحشی دارد. هر چند ادبیات مقایسه‌ای و مقایسه ادبی از نظر ظاهر کلام بیکدیگر شباهت دارند

لیکن در اصل تفاوت‌های بسیاری بین آنها وجود دارد.

این دیگر کافی نیست که تشابه‌هایی در زمینه ادبیات بیگانه بین چند نویسنده بیابیم و تصور کنیم به کار ادبیات مقایسه‌ای دست زده‌ایم. دیگر شباهتها یا اختلافاتی که بین تنیس و موسه^۵ یا دیکنس و آلفونس دده^۶ وجود دارد مورد توجه نیست بلکه نکته قابل تعمق اینست که ادبیات مقایسه‌ای که شاخه‌ای از تاریخ ادبیات را تشکیل میدهد بررسی روابط معنوی و بین‌المللی را که در آثار، الهامات و حتی زندگانی نویسندگانی چون بایرون و پوشکین، گوته و کارلیل، والتر اسکات و وینی^۷ وجود دارد عهده‌دار میباشد.

از نظر ملی نیز کنار هم قرار دادن و مقایسه دو یا چند اثری که به ادبیات‌های گوناگون تعلق دارد نمایانگر ادبیات مقایسه‌ای نیست. امروزه روشن شده است که تشابه‌های بی‌چون و چرایی که در سالهای ۱۸۲۰ - ۱۸۳۰ بین شکسپیر و راسین یافته بودند چیزی جز نقد ادبی یا سخنوری نبوده است. ادبیات مقایسه‌ای آنست که جستجو نمائیم آیا مثلاً این درام نویس انگلیسی مونتین^۸ را می‌شناخته است و چنانچه جواب مثبت باشد تحقیق نمائیم تا چه حد در درامهایش از نوشته‌های وی یاد کرده است. نتیجتاً به این نکته واقف میشویم که ادبیات مقایسه‌ای با مقایسه ادبی تفاوت بسیار دارد.

همانگونه که مقایسه گرانی نامی چون بالدنسپرگر، پل ازار و ژان ماری-

کاره^۹ نوشته‌اند: وقتی دیگر ارتباطی بین يك فرد و يك اثر، يك اثر و يك محیط گیرنده، يك کشور و يك مسافر برقرار نباشد زمینه ادبیات مقایسه‌ای در همانجا متوقف میشود و جای خود را به تاریخ افکار، نقد ادبی یا شاید سخنوری می‌سپارد.

منشاء و تاریخچه پیدایش ادبیات مقایسه‌ای -

چنانچه گوته بیان داشته است هر ادبیاتی متناوباً محتاج آنست که بسمت

بیگانه رو کند و از آنجائیکه دوره رمانتیسیم در فرانسه یکی از دوره‌هایی است که این احتیاج بیشتر ظاهر می‌شود پس تعجب آور نیست اگر مشاهده کنیم در این دوره ادبیات مقایسه‌ای قدم بعرصه وجود گذاشته است. در فرانسه بعنوان وارد کنندگان واقعی ادبیات مقایسه‌ای باید از پیش کسوتانی چون ویلمن، آمپر، کینه و شال^{۱۰} نام برد.

ویلمن در سال ۱۸۲۸ نفوذ متقابل انگلستان و فرانسه و نفوذ فرانسه را در قرن هیجدهم مورد بحث قرار می‌دهد. ژان ژاک آمپر، پسر فیزیک‌دان بزرگ در سال ۱۸۳۲ روابط ادبیات فرانسه با ادبیاتهای خارجی قرون وسطی را بررسی مینماید و معتقد است که بدون بررسی مقایسه‌ای، ادبیات رشته کاملی را تشکیل نمیدهد. بنظر شال تاریخ فلسفه و تاریخ سیاست را نباید از تاریخ ادبیات مجزا ساخت. وی در ژانویه ۱۸۳۵ در مجله نور^{۱۱} چنین مینویسد: هر ملتی که رابطه فکری با ملل دیگر نداشته باشد بمنزله دانه رها شده‌ای است از یک‌تور بزرگ.

با وجود اینکه این اولین مقایسه‌گران، جهان‌نگرانی بزرگ می‌باشند لیکن در کار خود فاقد روشی خاص بودند و باید تا سال ۱۸۸۶ تا مل نمائیم تا با انتشار کتاب تئوری ادبیات مقایسه‌ای بقلم پسن^{۱۲} انگلیسی شاهد افتتاح رسمی این علم باشیم.

سال بعد از آن ماکس کخ^{۱۳} در آلمان به انتشار مجله ادبیات مقایسه‌ای سبادرت ورزید و از آن پس با بکار بردن روشی تاریخی و مقایسه‌گری، ادبیات مقایسه‌ای بمفهوم واقعی کلمه پدیدار شد.

در سال ۱۸۹۵ دو رساله معتبر در زمینه ادبیات مقایسه‌ای در زوریخ و فرانسه نوشته شد: رساله لوئی پل بتز^{۱۴} آلمانی تحت عنوان هاینه در فرانسه و رساله ژوزف تکست^{۱۵} تحت عنوان ژان ژاک روسو و منشأهای جهان‌نگری ادبی که رساله اخیر در فرانسه بعنوان اولین اثر مهم مقایسه‌گری علمی محسوب

می‌گردد.

در سال ۱۸۹۷ پل بتز اولین کتاب مأخذ^{۱۶} را در ادبیات مقایسه‌ای برشته تحریر در آورد که در آخرین چاپش در سال ۱۹۰۴ دارای شش هزار عنوان کتاب بود و این خود معرف پیشرفت و ترقی ادبیات مقایسه‌ای در آغاز قرن بیستم می‌باشد. از این تاریخ بعد طی نیم قرن بالدنسپرگر بنوشتن آثار مقایسه‌گری بی‌شماری دست زد و سرانجام باتفاق پل ازار در سال ۱۹۲۱ در فرانسه اقدام به ایجاد مجله ادبیات مقایسه‌ای نمود. در سال ۱۹۵۴ انجمن ادبیات مقایسه‌ای در فرانسه دائر شد و تا سال ۱۹۶۸ تمام دانشگاههای فرانسه بغیر از روان^{۱۷} دارای يك یا چند کرسی ادبیات مقایسه‌ای شدند.

در آمریکا بخشهای ادبیات مقایسه‌ای در کلمبیا (۱۸۹۹) در هاروارد (۱۹۰۴) بوجود آمد. مقایسه‌گر مشهور آمریکائی ایروینگ باییت^{۱۸} با خلق آثاری چون آگاهان نقد ادبی فرانسه (۱۹۱۳) روسو و رمانتیسم (۱۹۱۹) شخصیت اسپانیائی و سایر مقالات (۱۹۴۰) نقش مهمی در پیشبرد ادبیات مقایسه‌ای بر عهده گرفت. از جنگ جهانی اول بعد جهشی پیاپی در زمینه تأسیس کرسی‌های ادبیات مقایسه‌ای در آمریکا پدیدار شد و امروزه تقریباً در ۴۰ دانشگاه ایالات متحده آمریکا، ادبیات مقایسه‌ای تدریس میشود.

بدینسان در اولین مرحله گسترش علمی خود ادبیات مقایسه‌ای بخاطر سعی و کوشش متفکرینی فعال در اروپای شرقی، مرکزی و آمریکا اعتبار بسیار یافت و با سعی نویسندگان ادبیات ملی، ادبیات مقایسه‌ای بعنوان رشته‌ای از تاریخ ادبیات شناخته شد و امروزه توجهی که در این زمینه در فرانسه، آلمان، ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن مبذول میگردد به ادبیات مقایسه‌ای جنبه‌ای بین‌المللی داده است.

هدف و روش کار

مقایسه‌گر باید دارای نوعی جهان‌نگری، آزادبخواهی و بزرگ‌منشی باشد،

روش کار خود را باگوناگونی پژوهش‌هایش وفق دهد و برای رسیدن بمتصود خویش به کسب دانستنی‌هایی پردازد که در پیشبرد هدفش ضروری میباشند :

۱- مقایسه‌گر باید دارای اطلاعات تاریخی باشد. بعنوان مثال اگر شخصی از وضع کلیسا در قرن هفده فرانسه کاملاً بی‌اطلاع باشد از قضاوت درباره نوشته‌های بوسوئه^{۱۹} عاجز خواهد بود و بهمین دلیل پل‌آزار برای نوشتن کتاب انقلاب فرانسه و ادبیات ایتالیای خود مجبور بمطالعه دقیق تاریخ فرانسه و ایتالیا در قرن هیجده و نوزده گردید .

۲- مقایسه‌گر از آنجائیکه بمنزله تاریخ‌نویس روابط ادبی محسوب می‌گردد باید تا حد امکان با ادبیات کشورهای مختلف آشنائی داشته باشد .

۳- مقایسه‌گر بهتر است بچند زبان خارجی تسلط داشته باشد و آثار ادبی خارجی را در زبان اصلی مطالعه نماید . لیکن همانگونه که کلودی پی‌شوا^{۲۰} نیز اظهار داشته است میدانیم که در اروپا فرانسویان و انگلیسی‌ها دومی را تشکیل میدهند که بخاطر تعصب، تنبلی یا هر علت دیگر اشتیاق زیادی بفرآگیری زبان-های خارجی از خود نشان نمیدهند و از آنجائیکه برخی از رمانتیک‌های بزرگ فرانسوی بدون آشنائی بازبان آلمانی بخواندن ترجمه‌های فرانسه آثار گونه‌گوناگون اکتفا میکردند در اینصورت چنانچه بخواهیم نفوذ گونه را بر همین نویسندگان بررسی نمائیم باید ابتدا تفاوت‌های موجود بین اثر اصلی و ترجمه آنرا در نظر بگیریم و سپس نفوذ موجود را ارزیابی نمائیم .

۴- در خاتمه مقایسه‌گر باید بدانند اطلاعات مورد نظر را از کجا بدست آورد . در زمینه ادبیات مقایسه‌ای کتاب مأخذ بتز که در سال ۱۹۵۰ توسط بالدنسپرگر و فردریش^{۲۱} تکمیل گردیده میتواند اطلاعات سودمندی در اختیار مقایسه‌گر بگذارد خصوصاً اینکه بجای شش هزار عنوان قبلی، از سال ۱۹۵۰ حاوی سی‌وسه هزار عنوان کتاب گردید که همه ساله از سال ۱۹۵۲ ببعده جزوه سالانه‌ای نیز منتشر ساخته کتابهای تازه‌ای را معرفی مینماید و میتواند راهنمای

خوبی برای مقایسه‌گر باشد .

عاملین جهان‌نگری

در هر دوره‌ای کتابها و انسانها باعث شناساندن ادبیات کشورهای بیگانه بیکدیگر میباشند بهمین جهت اهمیت ایندو عامل را مورد بررسی قرار میدهیم .
۱- نقش کتابها - کتاب در شناساندن فرهنگ کشورهای بیگانه بیکدیگر وانجام نفوذهای ادبی نقش بسیار مؤثر و مهمی بر عهده دارد .

وقتی می‌خواهیم از زبان دانی‌یک نویسنده اطلاع پیدا کنیم ابتدا باید جستجو نمائیم آیا اثری بزبان بیگانه از این نویسنده بجا مانده است ؟ بعنوان مثال چنانچه در مورد ولتر بخوایم چنین بررسی نمائیم کتاب نامه‌های انگلیسی^{۲۲} وی را مورد مطالعه قرار میدهیم تا بمیزان معلومات وی در زبان انگلیسی واقف شویم و نتیجه‌گیری محتاطانه‌ای را نیز بعمل می‌آوریم .

وقتی در مورد یک گروه اجتماعی یا یک ملت تصمیم به انجام چنین بررسی نمائیم تنها راه موجود مراجعه به کتابهای لغت، دستور زبان و کتب تعلیم و تربیت متداول در آن کشور میباشد . بعنوان مثال نگارش فرهنگ زبان لاتین، ایتالیائی و فرانسه توسط آنتونیونی^{۲۳} (که در سال ۱۷۳۵ در فرانسه بچاپ رسید) گواه بر انتشار زبان ایتالیائی در قرن هیجده فرانسه میباشد .

بررسی مقایسه‌گر وقتی دشوارتر میشود که بعنوان مثال بخواهد بداند فرانسویان دوره انقلاب یا دوره امپراطوری چه اطلاعاتی درباره‌گفته‌داشته‌اند در ای‌صورت باید فهرستی از ترجمه‌های فرانسه آثار این نویسنده تهیه نماید، اهمیت و ارزش ترجمه‌ها را از نظر صادقانه و کامل بودن آن مورد سنجش قرار دهد، در مورد تغییراتی که در ترجمه‌ها مشاهده میکند نظر دهد و نکاتی را که در مورد احساسات مردم آن دوره باید مورد توجه قرار داد تعیین نماید تا بتواند به‌هدف مورد نظر دست یابد .

یکی دیگر از منابع اطلاعاتی در مورد فرهنگ بیگانه بررسی آثار نقدادبی می‌باشد. مانند کتب و مقالاتی که در فرانسه در باره نویسندگانی چون شلی^{۲۴} یا کیتس^{۲۵} نوشته شده است و کار مقایسه‌گر جمع‌آوری و ارزشیابی این آثار و بررسی نفوذی که از خود بجا گذارده‌اند می‌باشد. ضمناً نقش روزنامه‌ها و مجلاتی که در انتشار آثار بیگانه سهم بوده‌اند نباید نادیده گرفته شود. بعنوان مثال میتوان از روزنامه (اتراژه) که در قرن هجدهم در فرانسه منتشر میشد یا مجلاتی نظیر دوموند^{۲۶} یا نوول روو فرانسز^{۲۷} که در قرون نوزده و بیست در فرانسه انتشار می‌افتاد یاد کرد.

۳ - نقش مسافرین :

میگویند تمام مردم کنجکاو و علاقه‌مند به چلچله اشعار لافونتن میمانند و اولین آنها که برای همسایگانیشان داستان دلکشی از آداب و رسوم مال دیگر به ارمغان آورده نقش اولین واسطه ادبی را ایفا کرده است. مسافران در اصل به دو گونه‌اند یا مسافرانی که از کشور خود خارج میشوند و به شناسائی ملل دیگر می‌پردازند، یا مسافرین ساکنی که چون کلت^{۲۸} در گوشه‌ای نشسته بمطالعه کتابهایی چون سفر بدور دنیا اثر ژول ورن اکتفا میکنند. لیکن اهمیت دسته اخیر نیز از دسته اول کمتر نیست. مسافران بهنگام مراجعت به کشورشان خاطرات خود را برای آشنایان بازگو نموده باعث باروری تصورات و خیال پردازی آنان شده‌اند و بدینگونه بانی بوجود آمدن آثار متعدد و ادبیاتی وسیع گشته‌اند. بعنوان مثال میتوان از نامه‌های ایرانی منتسکیو، داستانهای کوتاه ولتر و سفرنامه شاتو بریان نام برد. از میان مسافران مشهور که از آسیا خصوصاً ایران خاطرات فریبنده‌ای به کشورشان به ارمغان برده‌اند میتوان از شاردن^{۲۹} و تاورنیه^{۳۰} نام برد. آنتوان گالان^{۳۱} فرانسوی نیز سفری به مشرق زمین نموده موفق بجمع‌آوری مقداری نوشته‌های

خطی گردید و بابر گرداندن آنها بزبان فرانسه در سال ۱۶۹۷ کتاب هزار و یکشب خود را منتشر ساخت. این کتاب و کتاب هزار و یکشب دیگری که دو قرن بعد دکتر ماردروس^{۳۲} بصورتی مفصل‌تر و کامل‌تر منتشر ساخت باعث الهام بخشیدن به نویسندگان بسیاری شد که چون ترستان کلینگسور^{۳۳} بدون خارج شدن از اطاق خود بمسافرتهاى طولانی رفته‌اند. کلینگسور در قطعه شعری که در مجموعه^{۳۴} شهرزاد خود گنجانده است چنین می‌نویسد :

«من بتمام سفرهای سندباد نرفته‌ام ، من قمرالزمان را ندیده‌ام و شاهزاده خوش اندام چینی را نمی‌شناسم. من نه حافظ را دیده‌ام و نه هارون الرشید را. نه جعفر را دیده‌ام با محاسن خاکستری و کلاه نوک تیز ابریشمی اش که لنگ لنگان در پی هارون می‌دود.

اما من عابری را در ذهنم مجسم میکنم که چون حسن بدرالدین عمامه مخروطی به سردارد. من تاجری را مجسم میکنم که لباس ایرانی برتن دارد و دردکان خود نشسته است. من آن سفیدگر دیگ‌ها را در نظر مجسم میکنم. من آشپزی شگفت‌انگیز قصرهای بغداد را مجسم میکنم. در این مشرق زمینی که من می‌بینم هر کس نقشی برعهده دارد و اینها همه در ذهن من مشرق زمین دلکشی می‌سازند سرشار از اشعاری دلچسب، گل‌های سرخ و قداره و شمشیر. من سرزمینی را می‌بینم مملو از خواجه‌ها، خلیفه‌ها، وزیرها و قاضی‌های بوالهوس و خیال‌پرداز.

من چنان مشرق زمینی برای خود در ذهنم پرورده‌ام که دیگر نیازی ندارم از نزدیک تن بمخاطراتی دهم که سندباد با آن مواجه بود.»

نتیجه

در خاتمه نتیجه‌گیری کوتاهی از تمام گفته‌های بالا بعمل آورده مفهوم

ادبیات مقایسه‌ای و کار مقایسه‌گر را بطور مختصر چنین بیان میداریم:

ادبیات مقایسه‌ای عبارتست از تاریخ روابط ادبی بین‌المللی که بمدد تاریخ، نقد ادبی و فلسفه در بهتر شناساندن ادبیات کشورهای مختلف گام بر میدارد و نقش مقایسه‌گر اینست که خود را در مرز و سرحد ملی یا زبان‌شناسی قرار داده تبادل موضوعات، افکار، کتابها، احساسات موجود بین دو یا چند ادبیات را از نزدیک و با دقت نظاره کند.

يك مقایسه‌گر که در زمینه ادبیات بررسی مینماید باید متوجه باشد که تحقیقات خود را تنهادر مورد موضوعاتی کاملاً ادبی انجام دهد زیرا چنانچه مثلاً نقش فلان حشره را در ادبیات فرانسه و آلمان مورد مطالعه قرار دهد مسلماً به کار مقایسه‌گری ادبی دست‌نزده است چرا که آن حشره موضوعی ادبی را تشکیل نمیدهد. لیکن بعنوان مثال بررسی فوست در آثار نویسندگان آلمانی و فرانسوی موضوعی ادبی را تشکیل میدهد که از زمان گوته تا والری میتواند روشنگر نکات بارز روانی فردی یا ملی باشد.

در بالا به بررسی وسایل کار مقایسه‌گر مانند نوشته‌ها و مسافرتها و عاملین روابط ادبی بین‌المللی مانند نویسندگان و مسافران اشاره‌ای شد در اینجا تنها متذکر میشویم که وقتی این روابط را از زاویه‌ای دورتر می‌نگریم متوجه سرنوشت سبک‌هایی میشویم که بوجود می‌آیند، رشد میکنند و گاهی بدون دلیلی روشن نابود میشوند. فرضاً از خود می‌پرسیم چرا دیگر نمایشنامه‌های تراژیک را منظوم و در ۵ پرده نمی‌نویسند یا چرا در آغاز قرن نوزده در تمام کشورهای اروپا رمانهای تاریخی نوشته می‌شد یا چرا در مغرب زمین شعرای دوره رنسانس در اشعار چهارده‌بیتی^{۳۳} از عشق‌های خود سخن میگفتند؟

یافتن جوابی مستدل و قانع‌کننده برای این چراها و بسیاری چراهای دیگر گوشه‌ای از کار مقایسه‌گر را تشکیل میدهد که بمدد نظم و ترتیب و صبر و شکیبائی بسیار هدف خویش را دنبال میکند تا به نتیجه دلخواه دست یابد.

منابع

- 1- La Littérature comparée - Marius François Guyard-
(Que sais-je, no 499)
- 2- La Littérature Comparée - Claude Pichois et André
Rousseau- (Collection u2)
- 3- Poètes d'aujourd' hui no 130

حواشی

۱- چنین رایج شده است که در کنار کلمه ادبیات واژه «تطبیق» را بگذارند لیکن بنا بر گفته برخی محققین، بهتر است واژه تطبیق و انطباق را که بمفهوم برهم نهادن است در رشته‌هائی چون ریاضیات بکار بریم و در ادبیات از واژه‌هائی چون قیاس، مقایسه و یاسنجش استفاده نمائیم.

- 2 - Dictionnaire encyclopedique uiller 1965
- 3 - websters New world Dictionary second college ed 1968
Webster's third new inernational dictionary, 1966
- 4 - Le Robert
- 5 - Tennyson & Musset
- 6 - Dickens & Alphonse Daudet
- 7 - Vigny
- 8 - Montaigne
- 9 - Fernand Baldensperger, Paul Hazard, Jean Marie carré
- 10 - Abel Villemain / Jean - Jacques Ampère / Edgar quinet /
Philarele Chasles
- 11 - La Revue du Nord .
- 12 - Comparative literature, Posnett.
- 13 - Max Koch .
- 14 - Louis Paul Betz, Heine in Frankreich.
- 15 - Joseph Texte
- 16 - Bibliographie.
- 17 - Rouen .

18 – Irving Babitt "Masters of French Criticism, Rousseau and Romanticism 'Spanish Character and other Essays .

19 - Bossuet .

20 - Claude Pichois .

21 - W . P . Friedrich in Bibliography of Comparative Literature .

22 - Les Lettres anglaises.

23 - Abbé Antonioni ;

24 – Shelley .

25 – Keats .

26 – Journal etranger .

– Revue des deux mondes .

27 – Nouvelle Revue Francaise :

28 – Colette .

29 - Chardin .

30 - Tavernier .

31 - Antoine Galland .

32 - Docteur J.C. Mardrus .

33 – Trisran Klingsor .

34 – Sonnet .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی